

## مجازات‌های زندان شکن

ندامتگاه‌های کشور 85 هزار نفر ظرفیت دارند ولی 220 هزار نفر در آنها زندگی می‌کنند؛



ندامتگاه‌های کشور 85 هزار نفر ظرفیت دارند ولی 220 هزار نفر در آنها زندگی می‌کنند؛ این را اصغر جهانگیر گفته است؛ رئیس سازمان زندان‌ها. این می‌شود تلبار محکومان در فضایی تا سه برابر گنجایشش، این را هم جهانگیر گفته است، اعترافی صریح که تراکمی عجیب را روایت می‌کند.

کاستن از این تراکم آرمان خیلی زیاد است، از دستگاه قضا که در پیشانی آسیب‌های ناشی از آن ایستاده تا دولت که این همه زندانی برایش مساوی است با خرج بیشتر؛ زندانیانی که در این همه فرصت کافی برای اصلاح و تربیت نمی‌یابند نیز ضلع سوم این مثلث است.

قانونگذار که قانون جدید مجازات اسلامی را می‌نوشت، تقریباً پنج سال قبل نیم نگاهش به این مطالبات بود بویژه وقتی مواد مربوط به مجازات جایگزین حبس را در قانون می‌گنجاند. از سال 92 تا امروز که قانون جدید مجازات اسلامی روی میز قضا قرار گرفته این مجازات جایگزین که مانعی است

برای ورود همه متهمان به زندان‌ها، راه نفسی برای نداشتن مجازات‌های کشور باز کرده که شاهدش آمارهای اصغر جهانگیر است؛ این که سال 93 زندانیان کشور 600 هزار نفر بودند و تعدادشان در سال 94 به 450 هزار نفر کاهش یافت و سال 95 این رقم به 220 هزار زندانی تقلیل یافت.

این سیر نزولی همان است که به آن کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها می‌گویند، مطلوبی که هنوز به دست نیامده، اما دست‌نیافتنی نیست اگر سیاست‌هایی همچون صدور مجازات جایگزین حبس فراگیرتر شود.

آنهايي که صف‌شکن شدند

اولش سخت بود، هفته‌ها و ماه‌ها اولی که انتظار می‌رفت قضا، احکام جایگزین حبس صادر کنند، خیلی‌ها ایشان دست به عصا بودند و سمت جایگزین‌ها نمی‌رفتند ولی زمان که گذشت، آموزش‌ها که بیشتر شد و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مطالبه‌ای جدی شد مجازات‌ها جایگزین نیز جان گرفت، اصلاً شد وسیله‌ای برای تشویق قضا و دهان به دهان گشتن نام و سبک قضاوتشان.

یک روز خبر می‌رسید یک قاضی در شادگان، شکارچی غیرمجازی را که دو قمری را کشته بود به ده ساعت پاکسازی تالاب شادگان محکوم کرده و روزی دیگر از اصفهان خبر می‌آمد که یک قاضی خلاق دو شکارچی غیرمجاز را که به دل پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی زده بودند، به تحقیق در زمینه محیط زیست و تغذیه وحش در فصل‌های سرد سال محکوم کرده است. اینها محکوم بودند که علاوه بر این، هر دو ماه به واحد اجرای احکام بیایند و 40 بار بنویسند من انسان خوب و متدبني هستم و چون نمی‌خواهم سنگدل باشم، حیوانات را شکار نمی‌کنم.

مدتی بعد در گنبدکاووس یک قاضی در صدور احکام جایگزین رکوردشکنی کرد و خلاقیت را به اوج رساند؛ وقتی خبر آمد که او محکومان جرایم سبک بویژه نوجوانان و جوانان را با خرید کتاب، حفظ کردن احادیث، کمک به ماموران پلیس، کار در شهرداری و فعالیت در آسایشگاه‌ها محکوم می‌کند.

این صف‌شکنی‌ها بتدریج صدور احکام جایگزین حبس را روی غلتک انداخت تا شهریور امسال که در دادگاه کیفری شهرستان گالیکش، قاضی برای یک پزشک بی‌احتیاط حکم داد که علاوه بر پرداخت دیه به بیمار متضرر، از جنبه عمومی جرم نیز صد بیمار یتیم و بدسرپرست را رایگان مداوا کند.

حتی خبر آمد که چون پل صفوی و شیب پارتی، دو اثر تاریخی شهر بیستون به واسطه بی‌مبالاتی‌ها به

دپوی زباله تبدیل شده، دادگاهی در بیستون، احکام جایگزین حبسش برای محکومان را پاکسازی این آثار تاریخی تعیین می‌کند.

اگر قضاوت این پرونده؛ها جسارت به خرج نمی‌دادند و سنتی حکم صادر می‌کردند، همه محکومان راهی زندان می‌شدند یا حبس و شلاق را همزمان تجربه می‌کردند، ولی سیاست حبس؛زدایی و استفاده از مجازات؛ جایگزین، راه زندان رفتن جماعتی را مسدود کرد که راه تنفسی است برای ندامتگاه؛های متراکم ایران.

مجازات‌های متنوع می‌کند.

قاضی قاسم نقی؛زاده موسوی، رئیس شعبه 102 دادگاه کیفری 2 گنبدکاووس می‌توانست کتاب آیین دادرسی کیفری را روبه رویش بگذارد و برای همه متهمان مجازات حبس تجویز کند، اما این کار را نکرد. او در عوض به یکی حکم داد 200 ساعت در امامزاده؛ای کار کند و برای یکی حکم صادر کرد که بخشی از مخارج نگهداری مراکز ایتام را تامین کند، یعنی هم به زندان نرود و هم خیرش به هموعان برسد.

نقی؛زاده می‌گوید این احکام را صادر می‌کند چون جنبه تنبیهی دارد و برای عده؛ای بازدارنده است. قاضی کرامت بلاغی نیز که احکام جایگزین حبسی که در شیراز صادر کرده را خیلی؛ها شنیده و پسندیده؛اند به ما می‌گوید که مجازات؛های جایگزین در پیشگیری از تکرار جرم اثرگذارند و وقتی به میدان می‌آیند که مجازات؛های سنتی تاثیر معکوس بر افراد داشته باشد.

او باور دارد مجازات؛های سنتی که مشتمل بر حبس و شلاق هستند و جزای نقدی یا ترکیبی از آنها برای برخی افراد مناسب نیست و در عوض مجازات؛های جایگزین حبس برای کسانی که قابلیت اصلاح دارند، کاربردی است.

او خودش این تاثیرها را دیده و مثال می‌زند که روزگاری برای جوانی که متهم به مزاحمت؛های خیابانی بود حکم داد که کنار ضریح امامزاده محله شان عکسی بیندازد و به این عکس تعهد دهد و در یک دفتر 40 برگ نیز هر روز بنویسد که دیگر مزاحم نوامیس نمی‌شود. قاضی بلاغی می‌گوید بعد از سال؛ها هم آن دفتر 40 برگ را نگه داشته و هم خبر دارد که این جوان ترک مزاحمت کرده و زندگی سالمی دارد.

احکامی همچون لبه تیغ

برخی از افراط؛ها می‌ترسند، از تاکید بیش از حد بر حبس؛زدایی و زندان؛زدایی و به دنبالش زیاده؛روی در صدور احکام جایگزین حبس. کسانی مثل محمود عسگری، معاون مجتمع قضایی صدر که به جام؛جم توضیح می‌دهد نباید عده؛ای فکر کنند کاهش جمعیت کیفری زندان؛ها فقط با صدور احکام جایگزین میسر است.

این کارشناس قضایی در واقع موضوع را کلان می‌بیند و می‌گوید برای کم شدن زندانیان و کاهش جمعیت کیفری باید پیشگیری از وقوع جرم که چندین سازمان در آن سهم دارند، جدی گرفته شود هرچند مجازات؛های جایگزین حبس نیز سیاستی است که می‌توان رویش حساب کرد.

اما قاضی کرامت بلاغی، مجازات؛های جایگزین حبس را از این منظر می‌بیند که نباید در صدورشان به بیراهه رفت که منظورش تعیین دقیق جامعه هدف است؛ کسانی که مستحق تخفیف در مجازات هستند و اگر به سبک مجازات؛های جایگزین تنبیه شوند، متنبه خواهند شد.

او به همین دلیل تاکید دارد که سن متهمان، شخصیت آنها، نحوه ارتکاب جرم، میزان خسارت وارده به شاکی یا جامعه، سابقه کیفری او و نیز شرایطی که موجب وقوع جرم شده باید مدنظر قاضی باشد تا درست؛ترین رای صادر شود.

قاضی عسگری به واسطه همین ظرایف است که تاکید می‌کند اگر قاضی وقت نگذارد و دقت نکند که زیر و بم متهم چیست آن وقت حکمی صادر می‌کند که خود مساله؛ساز است؛ یک جور تیغ در دست زنگی مست.

البته آرای جایگزین، عادلانه و منصفانه نمی‌شوند مگر علم قاضی بالا برود. به گفته عسگری، قضاوت مسلط به

اصول روان‌شناسی و جرم‌شناسی‌شناسی شوند، گرچه او نیز خوب می‌داند با مشغله‌ای که اجازه سرخاراندن به قضات نمی‌دهد و بلاغی تأیید می‌کند که این مشغله، انگیزه را از خیلی‌هایشان گرفته و رسیدن به چنین نقطه‌ای آسان نخواهد بود.

مریم خباز

جامعه